



گناه فرهنگ و معارف اسلامی

مال در جامعه



66

عفاف دایره

گسترده‌تری از حجاب

دارد. حجاب بعد

بیرونی عفاف است.

عفاف در نگاه، کلام و

قلب، یک بعد از

این عفاف، بحث

حجاب است

من نمی‌خواهم بگویم به خانه‌داری به عنوان یک شغل نگاه کنیم اما در اصل وقتی یک مدیر در مجموعه‌ای مدیریت می‌کند، منابع مالی، منابع انسانی و افراد را انتخاب می‌کند، در جایگاه خودشان می‌گذارد و به حسن اجرای امور نظارت دارد، بابت این برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت به او یک مدیر موفق می‌گویند.

پس در واقع اگر نگاه درستی داشته باشیم، زنان خانه‌دار ما در عمل، مدیران شایسته و لایق خانواده‌اند که می‌توانند همه چیز را در جایگاه خود قرار داده و مدیریت کنند، درست است؟

دقیقا همین طور است. علاوه بر این، خانمی که در خانه است به این معنی نیست که دور از تحصیلات و فعالیت اجتماعی است. در تعریف اسلامی و در کلام مقام معظم رهبری هم می‌بینیم که زن خانه‌دار، زن خانه‌نشین نیست. این زن می‌تواند در ایفای نقش مادری و همسری در خانه مدیریت داشته و نقشش را در استحکام و رشد و تعالی خود و اعضای خانواده یعنی همسر، فرزندان و اطرافیان ایفا کند. علاوه بر این، یک عنصر و یک شخصیت مفید اجتماعی به عنوان پزشک، معلم، پرستار یا هر عنوانی است که جامعه امروز متناسب با آن کنشگری و شغل تعریف کرده است. در عین حال با تنظیم وقت و برنامه‌ریزی خود،

بخشی را در خانه و بخشی را در خارج از خانه است. پس در خانه و خانه‌نشین بودن، اصلا مفهومی ندارد. چون خانه‌دار بودن، مساوی با خانه‌نشینی نیست.

پس چرا این‌گونه تعبیر شده و برخی‌ها خانه‌داری را با خانه‌نشینی مساوی گرفته‌اند؟

امروز وقتی ما به اندیشه‌ها و آرا درباره زن نگاه می‌کنیم با چند دسته نگاه مواجه هستیم. یک تعریف از زن این است که زن در خانه و به تعبیری خانه‌نشین باشد. به این معنا که تمام مسئولیت و نقش‌های زن فقط در خانه تعریف شود، منهای این که این زن اختیار یا مجوز نقش‌پذیری در اجتماع را هم داشته باشد. بله خانه‌داری برای زن اولویت هست اما این نگاه برای زن نقش اجتماعی تعریف نکرده و به نظر این نگاه متحجرانه است. این نگاه تحجری به زن می‌گوید شما به‌رغم داشتن استعداد و به‌رغم باور به توانمندی خودت، باید خانه‌نشین باشی. در حالی که زنان می‌توانند در بیرون از خانه هم در کنار حفظ ارزش‌ها و منطبق با نقش‌های اجتماعی، اولویت خود را هم حفظ کنند. این دیدگاه اما قسمت دوم را نمی‌پذیرد و می‌گوید زن در خانه فقط نقش همسری و تربیت فرزندان را داشته باشد. سؤال این است که آیا صرف حضور فیزیکی زن در خانه، سلب نقش‌های اجتماعی از او و قائل نبودن به حضور اجتماعی زن، آیا زن را در نقش اولش توانمند می‌کند و آیا می‌تواند زن را در نقش اولش واجد استعدادی کند که بتواند رشد، تعالی، استحکام و بالندگی را برای اعضای خانواده داشته باشد؟ نگاه دوم زن را از حضور در خانه و خانواده و نقش تربیتی برای فرزندان و نقش همسری منع می‌کند و می‌گوید زن فقط در بخش اجتماعی زندگی موفق باشد و صرفا نقش اجتماعی منهای نقش خانوادگی داشته باشد. این نگاهی است که در غرب رواج دارد. در این نگاه، نقش خانگی و خانوادگی برای زن، نه فقط محبوب نیست، بلکه منفور است و اولویت اول و آخر، نقش اجتماعی زن است. نگاه دوم یعنی نگاه جاری در دنیای غرب به زن می‌گوید این جسم ظریف و تکوینی که برای ایفای نقش‌های زنانه‌اش لازم است و عاطفه را فدای نقش‌های اجتماعی در تساوی با مردان کند. این نگاه متجددانه است.

و نظر و نگاه درست در این رابطه چیست؟ آیا نگاه سومی هم وجود دارد که استعدادها و خلقت زن را در نظر گرفته باشد و با یک نگاه متعادل تر او را برای نقش‌های خانگی و نقش‌های اجتماعی مناسب بداند؟

ما نسبت به نگاه اول انتقاد داریم و نسبت به نگاه دوم، علاوه بر انتقاد هجمه و مطالبه داریم و معتقدیم در هر دو نگاه، زن از هویت اصلی خودش دور می‌شود. در نگاه متحجر، زن از استعدادهایش دور می‌شود و در نگاه دوم، بخشی از استعدادهایش کور می‌شود. فکر نکنیم نگاه متجدد به زن، نسبت به نگاه متحجر به او امتیاز دارد. هر دو نگاه هویت تکوینی زن که منطبق با نگاه تکوین و تشریع است را نادیده می‌گیرد. یعنی خلقت زنان با یک سری از توانمندی‌ها و تفاوت‌ها با مرد، برای نقش‌های دوگانه زنان در خانه و خانواده و نقش اجتماعی لازم است و در هر نگاه، یک بعد خلقت زن قربانی بعد دیگر می‌شود.

نگاه سومی هم می‌تواند وجود داشته باشد؛ وقتی دیدگاه مقام معظم رهبری، حضرت امام، شهید مطهری و بسیاری از متفکران اعم از اندیشمندان معاصر یا اندیشمندان گذشته را با نگاه‌های مختلف به مبانی و منابع اسلامی ببینیم و استخراج کنیم، متوجه می‌شویم که خداوند در بعد انسانی یک سری تکالیفی را برای نوع انسان در رشد و انسایت قرار داده که زن و مرد مساوی هستند. آنجا که رشد انسانی و قرب الهی است، زن و مرد مساوی هستند. در ۵۰-۶۰ درصد تکالیف در خانه هم زن و مرد نسبت به تربیت

مطالبه حضور زن در عرصه‌های کلان تصمیم‌سازی در سیاست‌گذاری

دیدار امسال مقام معظم رهبری با بانوان، یک ویژگی خاص و یک قله و نقطه عطف داشت و آن این که نقش اجتماعی زنان ما می‌تواند تحقق پیدا کند و زنان در سطوح مختلف نقش ایفا کنند. ما در بحث مدیریت جامعه نقش‌ها را خرد و کلان می‌بینیم و نقش افراد در جامعه به این شکل تعریف می‌شود که در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی یا اجرا هستند. امسال دیدیم که آقا تاکید داشتند یک اشکالی هست که بانوان در برخی از مراکز در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بوده‌اند اما در حداقل. خانم دکتر نیکی ارکدی در کتاب‌شان اعتراف می‌کنند نقش بانوان در بخش بهداشت، آموزش و امید به زندگی خیلی رشد داشته است. با وجود این نمی‌توانیم انکار کنیم که در مورد نقش زنان در بخش تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی جایگاه مناسبی نداریم. ما در مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا شوراهای عالی خانم نداریم. آیا در طول ۴۰ سال خانم‌هایی را نداشته‌ایم که پایه‌پای آقایان کار کرده باشند و بتوانند در بالاترین عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی حضور داشته باشند؟ قطعاً داشته و داریم.

فرزندان و برآورده کردن نیازهای عاطفی و انسانی در کنار هم قرار می‌گیرند اما در بخشی هم به سبب ماهیت و ذات تکوینی متفاوت‌شان، مسئولیت‌های‌شان هم متناسب با این ماهیت تکوینی متفاوت است. در حقوق، زن و مرد در بخشی که نقش مساوی با هم دارند، مساوی‌اند. وقتی می‌گوییم زوج، یعنی باید همدیگر را تکمیل کنند. بخشی از مسئولیت‌ها با مرد و بخشی با زن. اما وقتی براساس نگاه سوم وارد اجتماع می‌شویم، زن به دلیل خلقت الهی و جذبه‌هایی که دارد، سلوکی برای حضور اجتماعی‌اش دارد. در اندیشه رهبری و اندیشه حضرت امام و دیگر اندیشمندان، برای تبیین دین اسلام در نقش اجتماعی زن، اولویت قائل هستند. اختیار با خود خانم است اما اسلام این جواز را می‌دهد اما این ایفای نقش اجتماعی مشروط به رعایت برخی ارزش‌هاست.

این ارزش‌ها و در واقع شروط برای حضور اجتماعی زن چیست؟

نخست این که خانواده کمرنگ نشود و پایه‌های احساسی، عاطفی و تعاملات با دیگران آسیب نبیند. نکته بعدی حفظ عفاف است.

عفاف دایره گسترده‌تری از حجاب دارد. حجاب بعد بیرونی عفاف است. عفاف در نگاه، کلام و قلب. یک بعد از این عفاف، بحث حجاب است. مشروط به دو شرط، یعنی استحکام خانواده و ادامه رشد این کانون و حفظ ارزش‌های الهی که یکی از این ارزش‌ها حجاب است؛ باید گفت که در برخی نقش‌ها اولویت ایفای آن برعهده زنان است. مثل بحث‌های تربیتی و فرهنگی در حوزه آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها یا حوزه‌های پزشکی و پرستاری که اتفاقا تاکید و وجوب برای زنان وجود دارد تا در چنین مشاغلی حضور اجتماعی داشته باشند. پس در نگاه سوم ده‌ها شغل و نقش آفرینی اجتماعی حضور زنان نه فقط جواز دارد که از وجوب هم برخوردار است. زیرا بانوان توانسته‌اند با استعداد الهی‌شان عهده‌دار هر دو نقش باشند. این که آیا این مسأله در تعاریف عینیت دارد یا ندارد؟ به میزان کارکرد مراکز علمی و فرهنگی ما به تبیین این توانایی بانوان بستگی دارد.

